

منافع و مضار نظام اولویت‌بندی در مدیریت بازار

علیرضا گرشاسبی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

جهان اقتصاد

ارزش واردات کشور در نیمه نخست سال جاری بالغ بر ۲۶ میلیارد دلار است که در میان اقلام عمده، وادرات خودرو خودنمایی می‌کند. وجود چنین آماری این پرسش را مطرح می‌کند که در شرایطی که کشور با نیازهای ضروری روبرو است، چرا آمار واردات این کالا در حضور نظام اولویت‌بندی سهم بالایی در کل واردات کشور را به خود اختصاص می‌دهد. البته بحث‌های متفاوتی درخصوص اینکه در ابتدای سال تعداد قابل توجهی از واردکنندگان از ارزش مرجع برای واردات چنین کالاهایی استفاده کردند، وجود دارد. ضمن آنکه، کاهش درآمدهای نفتی و مشکلات ناشی از انتقال ارزش به داخل کشور (در اثر اعمال تحریم‌های بین‌المللی) منجر شد اولویت‌بندی در تخصیص ارزش به واردات صورت پذیرد. بر این اساس، تعرفه‌های وادراتی در ۱۰ گروه اولویت‌بندی شدند. اولویت اول شامل کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید غذا، اولویت دوم شامل دارو، تجهیزات پزشکی ضروری (دولت به واردات دو گروه اول ارزش ۱۲۲۶ تومانی تخصیص می‌دهد)، اولویت سوم شامل مواد اولیه بخش کشاورزی و مواد اولیه پایه صنعتی، اولویت چهارم قطعات منفصله خودرویی و مواد شیمیایی، اولویت پنجم و ششم اجزا و قطعات و تجهیزات صنعتی، اولویت هفتم و هشتم به ترتیب اجزا و قطعات و ماشین‌آلات خطوط تولیدی و ماشین‌آلات سواری کم‌مصرف و ماشین‌آلات راهسازی و حمل و نقل عمومی و در نهایت دو اولویت نهم و دهم نیز شامل ماشین‌آلات سواری پرمصرف، لوازم خانگی ضروری، موبایل و رایانه و اجزا آن و کالاهای غیرضروری مثل لوازم خانگی غیرضرور، اسباب بازی، وسایل تزئینی و لوکس می‌باشند.

در همین مدت، کشور با دو بحران ارزی روبرو شده است و هر لحظه انتظار می‌رود ارزش با جهش دیگری روبرو شود. این امر خود بر جریان ورود کالا تاثیرگذار است و با توجه به آنکه دولت نمی‌تواند مانع از واردات بشود، اولویت‌بندی تنها چاره‌ای کوتاه‌مدت در واردات خواهد بود. باید توجه داشت که تقریباً اکثر فعالان اقتصادی و صاحب‌نظران در فضای کنونی با اولویت‌بندی موافق هستند و مشکل است بتوان کسی را یافت که با این امر مخالف باشد. با این وجود، کارکرد دولت در این حوزه بیشتر به سمت طبقه‌بندی است تا اولویت‌بندی. چراکه، در حال حاضر اولویت‌های اول و دوم نرخ ارزش مرجع ۱۲۲۶ تومان دریافت می‌کنند. اولویت‌های سوم تا هشتم هم نرخ ارزش مبادلاتی دریافت می‌کنند. واردات گروه‌های دهم و برخی از اقلام گروه نهم نیز ممنوع شده است. آنچه

که جزء این سه دسته‌بندی نبوده و واردات آن نیز منعی ندارد، می‌تواند از بازار آزاد ارز دریافت کند. بنابراین، اولویت‌بندی به معنای خاص کلمه در اینجا مشاهده نمی‌شود. در واقع تامین ارز واردات با دو نرخ مرجع و مبادلاتی است. با توجه به آنکه قانون ۲ درصد زیر قیمت بازار عملاً در اتاق اجرا نشد، واردکنندگان نیز استقبال قابل توجهی از این اتاق کردند. زیرا تفاوت نسبتاً معنی‌داری میان نرخ‌های اتاق و بازار آزاد وجود داشت و نرخ ارز ارایه شده در اتاق نیز از ثبات خاصی برخوردار بوده است.

در ارتباط با عملکرد اتاق ارز و نیز نظام اولویت‌بندی چند نکته مهم وجود دارد که توجه به آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. در تشریح بیشتر موضوع باید اشاره داشت که عدم راه‌اندازی اتاق ارز و اولویت‌بندی کالاهای غیرضروری به معنای مراجعه واردکنندگان به بازار آزاد است. این امر از یکسو افزایش، نرخ ارز در این بازار را به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر سود توزیع ارز را به جیب واسطه‌ها سرازیر خواهد کرد. با توجه به نقش غیرقابل انکار بانک مرکزی و دولت در بازار ارز، راه‌اندازی اتاق ارز سبب شد تا بخش زیادی از تقاضا به سمت این مرکز جذب شود. همین موضوع نیز باعث شده تا رویکرد موافق با پیدایش اتاق ارز و اولویت‌بندی وجود داشته باشد. گروه دیگر از موافقان با نظام اولویت‌بندی نیز بر این عقیده‌اند که در شرایطی که محدودیت‌های ارزی بر چالش‌های این بازار می‌افزاید، اصولاً ورود برخی کالاهای تجملی و لوکس به کشور ضرورت ندارد. این همان رویکردی است که وزارت صنعت، معدن و تجارت در اولویت‌های نهم و دهم تعقیب می‌کند. بنابراین، مدیریت منابع ارزی، جلوگیری از تنش‌های ناگهانی در بازار ارز، امکان اولویت دادن به ورود کالاهای ضروری برای جامعه، کاهش بروکراسی اداری در فرایند تامین ارز و جلوگیری از دخالت سلیقه‌ای مقامات اجرایی در این فرایند مهمترین مزایایی است که دیدگاه موافقین را در نظام اولویت‌بندی به همراه داشته است.

اما به‌رغم وجود دیدگاه‌های موافق در خصوص اولویت‌بندی، عده‌ای معتقدند که نظام اولویت‌بندی در اجرا با چالش‌هایی نیز روبرو است. اول آنکه، نظام اولویت‌بندی مستلزم فرایند نظارتی بسیار قوی می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که، واردکنندگان پس از دریافت ارز مرجع یا مبادلاتی واقعا همان کالا و در حجمی که ثبت سفارش می‌کنند را وارد نمایند. عدم اجرای دقیق این موضوع بدان معنا است که واردکنندگان می‌توانند تمام یا بخشی از ارز خود را در بازار آزاد به فروش برسانند و از رانت قیمتی آن برخوردار شوند. چالش دوم که بی ارتباط با مورد اول نیست، چندگانگی نرخ ارز است که در بازار به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، برخی معتقدند بازار ارز

در کشور بازاری با درجه انحصار بالا است و عرضه‌کنندگان ارز محدود هستند و عمده آن در اختیار بانک مرکزی قرار دارد. از این رو، وجود نرخ‌های ارز مرجع، مبادلاتی و آزاد، تنها زمینه را برای رانت‌طلبی افزایش می‌دهد. از فحوای کلام این دسته این گونه بر می‌آید که اتاق ارز می‌بایست تمام نرخ‌ها را از میان برداشته و یک نرخ واحد را اعلان و اعمال نماید. چالش بعدی مربوط به افزایش قاچاق خواهد بود به‌ویژه برای کالاهایی که واردات آن‌ها ممنوع اعلام شده است. با توجه به آنکه فضای کسب‌وکار در داخل با التهاباتی همراه است این امر نیز می‌تواند بحران‌های جدید را در این فضا ایجاد کند.

چالش بعدی افزایش قیمت کالاها در بازار است. از یکسو با افزایش نرخ ارز از سوی بانک مرکزی برای اولویت‌های سوم تا هشتم، بازار کالا با یک شوک اولیه روبرو شد که ارتباط معنی‌داری با افزایش هزینه‌های تولید در آن مقطع زمانی نداشته است (تولیدات مربوط به پیش از افزایش نرخ ارز بوده است). و از سوی دیگر بیم آن می‌رود که کالاهای وارداتی با ارز قیمت‌های بالاتر (دور جدید ثبت سفارش) موج جدید گرانی را در بازار کالا ایجاد نماید. در این شرایط موجودی ذخایر انبار با ارزش‌تر از گذشته شده و ممکن است تمایل به فروش به امید کسب سودهای بالاتر در آینده کاهش یابد.

با توجه به وجود رویکردهای متفاوت، آن چه که مسلم است انتخاب میان گزینه‌های مختلف باید به‌نحوی صورت پذیرد که کمترین هزینه را برای کشور داشته باشد. از این رو است که شاید اجرای نظام اولویت‌بندی اجتناب‌ناپذیر شده است. با این وجود سازمان‌ها و نهاد نظارتی باید به‌صورت ویژه نسبت به فرایند واردات تا زمان ورود کالا به کشور نظارت داشته باشند تا سوء استفاده احتمالی در این حوزه به‌وجود نیاید.